

# A Veteran Who Did Not Survive: Ahmad Faraji

# جانبازی که زندگی را بدرود گفت : احمد فرجی



احمد فرجی، در فاصله بین جراحی‌ها، کنار رود راین در شهر کلن آلمان نشسته است



۱. پروفسور فرایلینگر ۲. شهید احمد فرجی ۳. شهید نادعلی هاشمی ۴. شهید سید جلال سعادت ۵. پروفسور سهراب پور بیمارستان لبافی نژاد تهران ۱۳۸۲

سال ۱۳۶۵ فاو، احمد بعد از ۴۸ ساعت بیداری به خواب عمیقی فرو رفت. وقتی آژیر حمله شیمیایی به صدا درآمد، هم‌زمان او به سختی توانستند وی را بیدار کنند. احمد که گیج و خواب آلود بود، بالاخره در آخرین لحظات ماسک و لباسهای محافظتی‌اش را پوشید در حالی که ابرهای بخار خردل اطراف آنها را فرا می‌گرفت. تمام بدن او دچار سوختگی شد و به طور موقت بینایی‌اش را از دست داد، که البته بعدها دوباره آن را بدست آورد.

بعد از جنگ، احمد در سازمان هواپیمایی کشوری مشغول به کار شد، ازدواج کرد و صاحب فرزند شد. وضعیت سلامتی او حدود سال ۱۳۷۷، دوازده سال بعد از مصدومیت شروع به وخیم‌تر شدن کرد. تراشه (نای) او در اثر عامل خردل آسیب دیده بود و حالا بسیار تنگ شده بود- وضعیتی که **Stenosis** (تنگی) گفته می‌شود- تا جایی که در تنفس مشکل پیدا کرد. جراحی لیزری سه بار انجام شد اما نسج نای او بسیار حساس شد و وضعیت او وخیم‌تر شد. تنفس او صدادار و بسیار مشکل شد و نمی‌توانست بخوابد. به علاوه، در کلیه راستش هم درد داشت.

احمد نزد دکتر لوتز فریتاک در بیمارستان بیماری‌های ریوی هم (**Lungenklinik Hemer**)، در شهر هم آلمان فرستاده شد تا تحت عمل تخصصی قرار بگیرد. او به همراه همسر و فرزندش در خانه ایرانیان در کلن، که دو ساعت تا بیمارستان فاصله داشت، اقامت کرد، این زمان مصادف بود با کریسمس و همچنین جشن تولد ۲ سالگی فرزندش.

در طول ۷ سال بعد، احمد هر روز ناتوان‌تر شد و مرتب به دستگاه اکسیژن احتیاج داشت. در سال چندین بار برای مراقبت‌های تخصصی به آلمان می‌رفت. دکتر فریتاک حداقل ۵۰ بار وی را عمل کرد. در اواخر عمر، احمد هر سال ۶ ماه در آلمان به سر می‌برد. ضمناً امکان گذاشتن استنت (**Stent**) یا برداشتن قسمت تنگی تراشه او وجود نداشت چرا که در تمام طول تراشه او هیچ نقطه سالمی وجود نداشت. دکتر فریتاک عمل جراحی ویژه بسیار دقیقی با استفاده از لوله از طریق دهان انجام داد. این عمل ۴ یا ۵ بار در طول اقامت احمد در آلمان روی او انجام شد.

به نظر می‌رسید انتخاب دیگری وجود ندارد، گرچه او دوره‌های کوتاه مدت سلامتی را تجربه می‌کرد و در کنار خانواده‌اش به زندگی ادامه می‌داد. در سال ۱۳۸۳، چندین بار وضعیت احمد اورژانسی شد که طی آنها قادر به تنفس نبود و ناچار در بخش مراقبت‌های ویژه بستری می‌شد و در جریان یکی از این حملات تنفسی بود که در سن ۳۸ سالگی به شهادت رسید.